

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۳۶	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۹/۳۰
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	شرایط سلبی ولایت تفویض			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

در بحث‌های گذشته به ۱۲ شرط سلبی از شرایط ولایت تفویض پرداختیم؛ امروز به ادامه شروط می‌پردازیم:

۱۳. ریاست طلب نبودن

کسی که به انگیزه ریاست طلبی مأموریتی را می‌خواهد بپذیرد، نه به انگیزه خدمت به مردم یا به انگیزه اجرای احکام شرعی و اطاعت خدا و رسول ﷺ [صلاحیت برای ولایت تفویض را ندارد]. کسی که ریاست طلب است هنگامی که به مقصود خود که ریاست است رسید، نه تنها به آن وظیفه‌ای که بر عهده او است، آنچنان که باید نخواهد پرداخت؛ بلکه بر مردم و دیگران احساس برتری می‌کند و خودش را از مردم برتر می‌داند و به عنوان یک انسان برتر از مردم، متسلط بر مردم خواهد شد و این تسلط بما هو تسلط _ یعنی اینکه من چون من هستم بر مردم برتری داشته باشم و بتوانم امر و نهی کنم _ خصلت بدی است و این منافات دارد با شرایط یک والی تفویض.

خدای متعال می‌فرماید:

«تِلْكَ آيَاتُ الْآخِرَةِ فَبَعَثْنَا الَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱

(آری)، این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است!

دار الآخرة برای کسانی است که طلب «علو فی الارض» نداشته باشند که همان ریاست و برتری بر دیگران است؛ البته اگر طلب مسئولیت برای انجام وظیفه و خدمت به مردم باشد، عین عبادت است؛ حضرت یوسف علیہ السلام به ملک مصر می‌گوید:

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ»^۱؛

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده»

این طلب برای اینکه بتواند گره گشایی از کار مردم کند و به وظیفه عمل کند، عین عبادت است. و اصلاً انبیا چنین می گفتند:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ»^۲

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید * و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید.

مردم را به اطاعت خود فراخواندند که این عین انجام تکلیف و انجام وظیفه بود و اینکه مردم را به خود فرا می خواندند، نه به عنوان خود، بلکه به عنوان اجرای فرمان الهی، مقام وجوب اطاعت برای خود قائل بودند و دیگران را به اطاعت خویش فرا می خواندند؛ این عین اطاعت خداست.

در فرمایش حضرت امیر علیه السلام چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا لِيَمَاسٍ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْخَطَاةِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ إِلَّا صِلَاحٌ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»^۳

خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم دیده ها در آمان و آمان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد.

اگر برای اینی که حضرت می فرماید باشد، عین طلب اطاعت الهی است اما آنچه از ریاست طلبی مقصود ماست این است که کسی برای اینکه بر مردم سلطه بجوید، به دنبال مقام باشد؛ نه برای خدمت به مردم و عمل به وظیفه.

روایات زیادی نیز در این زمینه وارد شده که به برخی اشاره می کنیم:
مرحوم کلینی در کافی به سند صحیح روایت می کند:

۱. سورة یوسف: ۵۵.

۲. سورة شعراء: ۱۵۱.

۳. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۳۱.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّهُ ذَكَرَ رَجُلًا فَقَالَ إِنَّهُ يُحِبُّ الرِّئَاسَةَ فَقَالَ مَا ذِئْبَانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهُمَا بِأَضْرَفِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرِّئَاسَةِ^۱

معمر بن خلاد نزد حضرت ابو الحسن عليه السلام نام مردی را برد و گفت: او ریاست را دوست دارد، حضرت فرمود: بودن دو گرگ درنده در میان گله گوسفندی که چوپانش حاضر نباشند، زیانبخش تر از ریاست نسبت بدین مسلمان نیست (ریاست طلبی از دو گرگ درنده به دین مسلمان بیشتر زیان رساند).

اینکه کسی را به صفت «يُحِبُّ الرِّئَاسَةَ» می خواند از روی ظاهر و رفتار او بود و در همین زمان ما نیز هستیم کسانی که اگر هر شخصی به آنها نگاه کند، می فهمد که او دنبال ریاست است و دنبال اطاعت امر خدا نیست و این رفتارهای ظاهر را کسی اگر ببیند و بگوید فلانی «يُحِبُّ الرِّئَاسَةَ» اشکالی ندارد. کسانی که طالب ریاستند، اگر به ریاست برسند؛ این ریاست برای آنها موجب زوال دین آنها خواهد شد زیرا به طلب برتری از مردم به ریاست رسیده است و در روایات خیلی تأکید شده که به قصد برتری بر مردم تلاش نکنید.

همچنین مرحوم کلینی به سند صحیح روایت می کند:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ «إِيَّاكُمْ وَهَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ يَتَرَأْسُونَ فَوَ اللَّهُ مَا خَفَقَتِ النَّعَالُ خَلْفَ الرَّجُلِ إِلَّا هَلَكَ وَأَهْلَكَ»^۲

عبد الله بن مسکان، گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود: پرهیزید از این رؤسایان ریاست طلب که به خدا سوگند که صدای کفش ها دنبال مردی، بلند نشود جز اینکه خود هلاک شود و دیگران را هم هلاک کند.

یادم می آید حضرت امام رضوان الله تعالی علیه خیلی بر حذر بودند از اینکه کسی پشت سر ایشان راه برود حتی آقای قربانی که همراه امام بود در نجف، پشت امام راه نمی رفت یا کنار امام راه می رفت و یا با فاصله از امام راه می رفت و اینطور نبود که پشت سر امام راه برود. امام خیلی مقید به آداب اسلامی بود؛ این از صفات علمای بزرگ است و خود این تقید علما درس خوبی برای دیگران بوده است و طوری بوده اند که مردم احکام شرع را از رفتار آنها یاد می گرفتند و من دیدم که به یک بازاری گفته شد چرا فلان کار را می کنی، او در جواب گفت فلان آقا این کار را می کند؛ نگفت او گفته که چنین کن.

روایت دیگری را مرحوم کلینی از ابی حمزه ثمالی نقل می کند:

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب جهاد النفس، باب ۵۰، ح ۱.

۲. همان؛ ح ۴.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِيَّاكَ وَالرَّئِيسَةَ وَإِيَّاكَ أَنْ تَطَّأَ أَعْقَابَ الرِّجَالِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمَّا الرَّئِيسَةُ فَقَدْ عَرَفْتُهَا وَأَمَّا أَنْ أَطَّأَ أَعْقَابَ الرِّجَالِ فَمَا ثُلَا مَا فِي يَدِي إِلَّا مِمَّا وَطِئْتُ أَعْقَابَ الرِّجَالِ فَقَالَ لِي لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِيَّاكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحَبَّةِ فَتَصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ»^۱

ابو حمزه ثمالی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پرهیز از ریاست و پرهیز از اینکه دنبال مردم روی، عرض کردم: قربانت گردم ریاست را فهمیدم و اما اینکه دنبال مردم روم، که من دو سوم آنچه دارم از دنبال مردم رفتم بدست آمده؟ فرمود: چنان که تو فهمیدی نیست مقصود این است که پرهیز از اینکه مردی را بدون دلیل به پیشوائی برگزینی و هر چه گوید تصدیقش کنی.

حضرت می فرماید نه خودت جلو بیافت و نه دنبال روی دیگران باش که بخواهی ابزاری برای ریاست طلبی دیگران شوی. و اینکه حضرت فرمود: «إِيَّاكَ أَنْ تَطَّأَ أَعْقَابَ الرِّجَالِ» یعنی اینطور نباش که پشت سر مردم راه بروی به این معنا که بازار یک انسان ریاست طلب را گرم کنی و پشت او راه بروی. روایت دیگری نیز وجود دارد که مضمونش مهم است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ وَغَيْرِهِ رَفَعُوهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهِمَا مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِهِمَا»^۲

امام صادق عليه السلام فرمود: ملعون است کسی که ریاست را بخود بندد، ملعون است کسی که به آن همت گمارد، ملعون است کسی که به فکر آن باشد.

در این روایت کلمه «غیره» دارد که واسطه مجهول است اما اینکه چند نفر «رفعوه» یعنی نقل واسطه نکردند و مستقیم از امام نقل کرده اند؛ همین که چند نفر از امام نقل کردند؛ محمد بن اسماعیل که خود ثقة است و غیر او نیز که نباید کمتر از دو نفر باشد _ به یک نفر «غیره» نمی گویند و بعد هم با صیغه جمع نقل می کند و می گوید: «رفعوه»؛ این نقل به این شکل با اینکه واسطه مجهول است، اما قوی است زیرا کسانی که این روایت را رفع کردند لا اقل سه نفرند که یکی از آنها محمد بن اسماعیل است که ثقة است؛ لذا گرچه این روایت شروط فنی صحت را دارا نیست اما تا حدود زیادی می شود به این روایت اعتماد کرد.

بنابر روایت نه تنها کسی که خودش، خودش را جلو بیاندازد و رئیس کند ملعون است؛ بلکه همین که دوست داشته باشد که رئیس شود و تلاش کند که رئیس شود نیز موجب لعنت الهی می شود.

۱. همان؛ ابواب صفات القاضی، باب ۱۰، ح ۶.

۲. همان؛ ابواب جهاد النفس؛ باب ۵۰، ح ۶.

روایت دیگری روایتی است که از ابوالریع شامی روایت شده و سند تا ابوالریع شامی صحیح است اما وثاقت خود او ثابت نشده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لِي يَا أَبَا الرَّيِّعِ لَا تَطْلُبَنَّ الرَّئِيسَةَ وَلَا تَكُنْ ذَنْبًا وَلَا تَأْكُلِ النَّاسَ بِنَا فَيُفْقِرَكَ اللَّهُ وَلَا تَقُلْ فِينَا مَا لَا نَقُولُ فِي أَنْفُسِنَا فَإِنَّكَ مَوْقُوفٌ وَمَسْئُولٌ لَا مَحَالَةَ فَإِنْ كُنْتَ صَادِقًا صَدَقْنَاكَ وَإِنْ كُنْتَ كَاذِبًا كَذَّبْنَاكَ^۲؛

اباربع شامی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود، وای بر تو، ای اباربع، ریاست مجو و دنباله رو مباش و به نام ما از مردم نخور که خدا محتاجت کند، و درباره ما آنچه خود نگفته ایم مگو (غلو مکن) زیرا ناچار تو (در قیامت) بازداشت و بازخواست شوی، پس اگر راست گو باشی تصدیقت کنیم، و اگر دروغگو باشی تکذیب کنیم.

معلوم می شود چنین اتفاقی بین صحابه می افتاده که برخی برای اینکه خودشان را بین مردم عزیز کنند، الان هم چنین افرادی هستند - به عنوان ولایت مداری، یقه چاک می دهند و چیزهایی درباره ائمه اطهار عليهم السلام می گویند که خودشان نگفتند و به مردم می گویند ما از بقیه شیعه تریم و ولایتی تریم. و همچنین روایت دیگری که می فرماید:

عَنْ أَبِي مَيَّاحٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ أَرَادَ الرَّئِيسَةَ هَلَكَ»^۳؛

امام صادق عليه السلام می فرمود: هر که ریاست خواهد هلاک شود.

از مجموع این روایات این معنا قطعی است که کسی که دنبال ریاست باشد و برای تسلط بر مردم به دنبال ریاست باشد، هم ملعون است و هم هالک است و هم موجب هلاکت دیگران می شود لذا قطعاً صلاحیتی برای تصدی مسئولیت مدیریتی نخواهد داشت. علاوه بر اینکه در صحیح مسلم چنین روایت شده:

۱. در برخی نسخه ها «ذنباً» (یعنی گرگ) وجود دارد و در برخی «ذنباً» (یعنی دم) که ظاهراً همین درست است یعنی دنباله روی مردم نباشد.

۲. وسائل الشیعة؛ ابواب جهاد النفس؛ باب ۵۰، ح ۸.

۳. همان؛ ح ۷.

عن ابی موسی الاشعری قال: «دخلت الى النبي ﷺ انا ورجلان من بني عمي فقال احدا الرجلين يا رسول الله! أُمّرنا على بعض ما ولاك الله عز وجل، وقال الآخر مثل ذلك؛ فقال: إنا والله لا نؤي على هذا العمل احدا سألناه ولا احدا حرص عليه»؛

حضرت فرمود به کسی که خودش دنبال به دست آوردن پست و مقام باشد و حرص دارد که به آن برسد، پست نمی دهیم.

همین مضمون در یکی از فرمایشات حضرت امیر علیه السلام درباره معاویه وارد شده است؛ که حضرت می فرماید یکی از دلایلی که به معاویه پست نمی دهیم همین است که حرص بر این دارد که به پست برسد.